

## من حیاط دارم پس حیات دارم

در سفری که به کلمبو پایتخت سریلانکا داشتم این نکته را دریافتم که گیاه به عنوان یک موجود زنده مورد احترام مردم این کشور است بگونه‌ای که اگرچه آب و هوا و دما و رطوبت هوا باعث وجود یک پوشش گیاهی همیشه سبز در این اقلیم گردیده است و سبزیگی گسترش زیادی در آن کشور دارد ولی حجم زیاد پوشش گیاهی حتی در شهرها مانع استفاده از نما و بام سبز در بسیاری از مناطق شهری نگردیده است. گویی احترام به موجود زنده و خصوصاً گیاهان بخشی از باورهای اعتقادی و نگرش فرهنگی آن جامعه است.

تجربه غلبه ساختمان بر طبیعت و از دست دادن تدریجی فضاهای سبز و باغات تهران و تبدیل این فضاها به بناهای خشک و بی‌روح و یا سطوح آسفالت و اتوبان‌ها - ناشی از نیازهای تدریجی به وجود آمده از توسعه اجباری - درس‌های بزرگی را به همراه داشته است. افزایش بیماری‌ها، کسالت و روزمرگی، کاهش سرزندگی شهروندان، تراکم بسیار زیاد و کمبود اکسیژن و هوای سالم از نتایج کاهش سرانه فضای سبز شهر تهران است و این در حالی است که موج دوم توسعه فضایی شهر در قالب تأمین فضاهای خدماتی و عمومی برای جمعیت جذب شده در شهر آغاز شده و فضاهای تجاری و خدماتی رفاهی بسیاری در شهر احداث گردیده و یا در حال احداث است و در این میان مشاهده می‌شود شهروندان تهرانی هویت سبز از دست داده شهر خود را در لابلای ساختمان‌های متراکم، با سبزیگی و احیای جسته گریخته تراس‌ها و بام‌ها و حیاط‌ها جستجو می‌کنند و حیات واقعی را در حیاط می‌بینند.

در حالیکه تاکنون در بسیاری از شهرهای جهان با اقلیم‌های متفاوت همانند نیویورک، سنئول، توکیو، ادینبورگ، هنگ‌کنگ، تونس، سنگاپور، دبی، کازابلانکا توسعه فضای سبز و معماری سبز در اشکال مختلف اجرا گردیده است ولی جای شهر تهران بعنوان یکی از نیازمندترین شهرهای بزرگ جهان در این میان خالی است و آنچه در این خصوص در تهران اتفاق افتاده است در مقایسه با تخریبی که پیشتر صورت گرفته ناچیز می‌نماید. جنبش معماری سبز - با اهمیت ویژه‌ای که برای شهر تهران دارد - به کندی در حال توسعه است و قیامی برای برون رفت از مشکلات متأثر از کاهش سرانه سبز شهری به گوش نمی‌رسد و متأسفانه گاه‌اوقات دلایل توجیهی مبنی بر مشکلات فراوان توسعه و نگهداری فضای سبز در تلفیق با معماری شنیده می‌شود که این باعث عقب نشینی معهود کارفرمایان و تصمیم‌گیرنده‌های با ریسک‌پذیری بیشتر نیز شده است و این در حالی است که با اندکی مطالعه و مداخله نظرات کارشناسی و تشویق شهروندان به مشارکت و بهره‌مندی از معماری سبز و استفاده گسترده از سبزیگی در ساختمان‌ها برای شهر تهران نه تنها میسر بلکه بسیار مفید و کارآمد خواهد بود، فضاهای قابل استفاده در ساختمان‌ها، از لبه پنجره‌ها آغاز و در تراس‌ها، بام‌ها و نماهای ساختمان‌ها توسعه می‌یابد و در شهر با تبدیل بسیاری از دیوارها به نرده‌های سبز و یا استفاده از پوشش گیاهی در معابر و گذرگاه‌های سواره و پیاده می‌توان چهره مناسبی بر پیکره بی‌نظم و ساختار معماری خاکستری شهر پوشاند و

به این شکل سبزیگی از مراکز سبز درون و برون شهری شامل پارکها و جنگلهای اطراف به درون و بررسی ساختمانهای شهر سرایت می‌کند.

اکنون نیاز به رویکردهای حسی و دل‌انگیزی فضایی در طرح‌های معماری و شهرسازی و ایجاد نوع خاصی از معماری که در آن درک فضا از حیثه صرفاً بصری فراتر رفته و فضای معماری با تمام وجود و حواس درک شود، برای شهر تهران بیش از همیشه ضروری است. نوعی از معماری که در آن با کاهش تزئینات، تجمل‌گرایی و عظمت‌گرایی، افزایش شادابی، دل‌انگیزی و آرامش فضایی میسر است.

